

آیا مذاکرات دوم نتیجه می دهد؟

# دوئل دوباره کیم و دونالد



سید محمد میرزا محمدزاده

به نظر می رسد که قطار ایستگاه راترک کرده است، نه! این بار از عزیمت کیم جونگ اون، رهبر کره شمالی و سفرش به چین برای دیدار با شی جین پینگ، رئیس جمهور چین سخن نمی گوئیم. در واقع سفر کیم به پکن و دیدار با شی اثبات دوباره تکرار تاریخ در آسیای شمال شرق است؛ حالا همه شواهد حاکی از اجلاس دوباره و پرتنش بین کیم و رئیس جمهور آمریکا است؛ این بار به احتمال بسیار در ویتنام.

هری جسی کارزانیس، مدیر مطالعات دفاعی در مرکز منافع ملی و سردبیر مجله نشنال اینترست آمریکا، در یادداشتی که برای پایگاه اینترنتی هیل آمریکا تهیه کرد، نوشته است برخلاف تصور عموم، دیدار آتی رئیس جمهور آمریکا و رهبر کره شمالی، قرار نیست بی نتیجه باشد و در صورتی که طرفین با حقایق کنار بیایند، می توان امید داشت که صلح به شبه جزیره کره باز گردد. به عقیده کارزانیس، مسئله کره شمالی موضوعی نیست که به راحتی و صرفاً در یک جلسه به طرف شود؛ چرا که رهبر کره شمالی و دیگر مقامات این کشور خواستار تضمین عدم تهدید از سوی جامعه بین الملل، به ویژه آمریکا هستند و در صورت ارائه چنین تضمینی و گام برداشتن تدریجی به سمت آن، می توان کیم جونگ اون را مجاب کرد که از برنامه های هسته ای خود عقب نشینی کند. در ادامه یادداشت می خوانیم؛ دیدار دوباره این دو نفر قرار است چه چیزی را در تاریخ رقم بزند؟ از نظر بسیاری از تحلیلگران، این دیدار جز نمایشی برای ارباب یک رژیم ناخوشایند نیست، رژیمی که رهبر آن مردی است که بیشتر به شخصیت مایکل کورلونه (شخصیت دیکتاتور فیلم پدر خوانده) شباهت دارد تا یک دولت مرد جهانی. اما دقیقاً این نقطه اشتباهی است که خیل تحلیلگران به آن رسیده اند. حالا وقت آن رسیده است که به حقیقت سختی برسیم که پایه و اساس یک راه کار بلندمدت برای شبه جزیره کره به شمار می رود. ما باید با این حقیقت کنار بیاییم که تلاش برای متقاعد کردن کره شمالی به منظور تسلیم تسلیحات هسته ای باید بخشی از یک فرایند بسیار بزرگ تر و چندساله برای

ایجاد اعتماد باشد؛ فرایندی که شامل امتیازات تجاری، بهبود روابط دیپلماتیک و کاهش تنش ها در منطقه ای باشد که دیگر تسلیحات هسته ای در آنجا بی معنا است و این تنها راهی است که می توان کره شمالی را به آن مجاب کرد و همان راهی است که کیم جونگ اون همواره بر آن تأکید می کند. پذیرش این واقعیت به معنای ضعف، بدبختی یا حماقت نیست. این مسئله مشخص می کند کره شمالی قرار نیست سلاح های هسته ای خود را تسلیم کند، مگر آنکه آن قدر احساس امنیت کند که بداند خطر براندازی حکومت کیم ناچیز و یا صفر است. جهان باید وسواس خانواده کیم را در مورد امنیت به یاد بیورد، موضوعی که آن ها در مورد آن کاملاً جدی هستند و همین مسئله این خانواده را در رأس نگه داشته است؛ آن ها برای حاکمیت خود هر کاری لازم باشد انجام می دهند، حتی اقدامات جنایی. اگر آمریکایی ها با این حقایق به عنوان اساس روابط جدید با پیونگ یانگ کنار بیایند، می توان پیش بینی ایجاد یک حکومت

**یک جمله در توافق می تواند بیشتر از همه موارد به ایجاد صلح کمک کند؛ اعلام اینکه جنگ کره پایان یافته است و همه طرفین این نزاع باید به سمت ایجاد یک پیمان دائمی صلح گام بردارند و برای آن تلاش کنند**

صلح آمیز پایدار را کرد، صلحی که دیگر کمتر شاهد شاخ و شانه کشیدن های هسته ای باشد. کره شمالی نیز این استعداد را در خود دارد که به تدریج برنامه هسته ای این کشور را به تلی از خاکستر تاریخ تبدیل کند. البته حقیقت سخت دیگری نیز وجود دارد؛ انجام هیچ کدام از این کارها آسان نیست و هر لحظه ریسک بالایی از شکست پیش روی ما است. تاریخ نشان داده است که وقتی رقیبا با یکدیگر روبرو می شوند، به ویژه قیامی که چندین دهه با روی گلوی دیگری گذاشته بودند، همواره به دنبال شروع جدیدی از خصومت هستند و هیچ تضمینی برای تغییرات مثبت نیست. هر دو طرف یعنی کیم و ترامپ باید افکار

عمومی جهانی را متقاعد کنند که دیدار دوم با صداقت، منجر به تغییر روابط خصمانه می شود. **کیم چه می خواهد؟** پس برای اینکه بگوییم اجلاس دوم موفقیتی برای آمریکا و کره شمالی بوده است، این دور رهبر باید چه کاری انجام دهند؟ برای کیم، هدف بسیار ساده است: در حالی از اجلاس خارج شود که احساس امنیت کند، این امنیت شامل بهبود شرایط اقتصادی و امنیت نظامی برای کشورش می شود. کیم در صورتی ابراز رضایت می کند که حداقل بعد از این اجلاس احساس کند واکنشگتن به دنبال براندازی او از قدرت نیست و البته تحریم ها آهسته آهسته از سر کشورش سایه نهد. کیم در این صورت و نیز بر برنامه هسته ای خود را به همان سرعت برچیند و این گونه دیگر شرایط جنگی بر شبه جزیره کره چم بره نزند.

با رسیدن به چنین دستاوردهایی در نتیجه این اجلاس یا حداقل دست یافتن به نقشه راهی برای این دستاورد، کیم می تواند در بازگشت به خانه قدرت را در چانه زنی به دست گیرد و اعتبار خود را در بین رهبران نظامی کره شمالی و نیز مقامات ارشد حزبی که مخالف هر گونه تنش زدایی هستند، حفظ کند.

**ترامپ چه می خواهد؟** اما از دید ترامپ موفقیت تنها در یک کلمه خلاصه می شود: پیشرفت. واکنشگتن باید بتواند به دنیا نشان دهد که پیونگ یانگ را متقاعد کرده است گامی به سمت غیر هسته ای شدن بردارد تا دید رسانه ها مبنی بر اینکه ترامپ از سوی کره شمالی به بازی گرفته شده است را تغییر دهد، موضوعی که سال گذشته منجر به خشم ترامپ شد و لفاظی های سال ۲۰۱۷ وی را رقم زد. با احتساب همه مواردی که در بالا ذکر شد، دستور جلسه کره شمالی و آمریکا در دیدار آتی بسیار واضح و روشن است. کره شمالی باید با توقف کامل تولید ماده شکافت پذیر (مربوط به تسلیحات هسته ای) یا ایجاد موشک های

**ما باید با این حقیقت کنار بیاییم که تلاش برای متقاعد کردن کره شمالی به منظور تسلیم تسلیحات هسته ای باید بخشی از یک فرایند بسیار بزرگ تر و چندساله برای ایجاد اعتماد باشد**

بیشتر از هر نوعی موافقت کند و رسماً برای ممنوعیت هر گونه آزمایش تسلیحات هسته ای و یا هر گونه موشک جدید تعهد بدهد. در مقابل آمریکا و کره جنوبی تضمین بدهند که جلوی هر گونه ایجاد پایگاه نظامی در نزدیکی شبه جزیره کره را بگیرند، پایگاه هایی که می توانند برای تغذیه تسلیحات هسته ای در جنگ علیه کره شمالی به کار گرفته شوند. علاوه بر این موضوعات، یک جمله در توافق می تواند بیشتر از همه موارد به ایجاد صلح کمک کند: اعلام اینکه جنگ کره پایان یافته است و همه طرفین این نزاع باید به سمت ایجاد یک پیمان دائمی صلح گام بردارند و برای آن تلاش کنند.

اگر همه مواضع بالا به دست آید، هر دو طرف می توانند اعلام کنند پیروز هستند و این گونه تاریخ را رقم زنند. حالا شاید برخی بگویند چنین توافقی چندان برجسته نیست و این توافق نمی تواند منجر به توقف تهدیدات تسلیحات هسته ای کیم شود.

پاسخ چنین ادعایی فقط یک چیز است؛ مسئله تهدیدات کیم فقط در طول زمان قابل حل خواهد بود و مطمئن ترین راه برای کشاندن اوضاع به حاشیه جنگ، درخواست برای امتیازات غیر واقعی از طرفین است. اگر مذاکره کنندگان صبور باشند و درک کنند مسئله ای که در طول چندین دهه حل نشده باقی مانده، نیازمند زمان برای رفع شدن است، آنگاه ما به آینده نگری مورد نظر برای دست یافتن به یک راه کار قابل استناد دست یافته ایم.

اوربان از فرانسه و آلمان انتقاد کرد؛ ضربه تندروها بر پیکره اروپا

سینا سبزیان

ویکتور اوربان، نخست وزیر حزب راست افراطی مجارستان، سیاست های مهاجرتی آلمان و فرانسه را به باد انتقاد گرفت و تأثیر آن را بر کشورش سخت دانست.

رویتزر در گزارشی نوشت که این نخست وزیر مخالف اتحادیه اروپا، در تازه ترین اظهارات خود آلمان را مقصر بحران مهاجرتی کنونی دانسته و گفته است که این کشور به تصمیمات مهاجرتی بودا پست احترام نمی گذارد. وی همچنین با انتقاد از سیاست های امنول ماکرون، رئیس جمهور فرانسه، گفته است که وی برای پیشبرد سیاست های خود دیگر کشورهای اروپایی را در سیاست های مهاجرتی راهبری می کند. اوربان همچنین گفته است برای مقابله با سیاست های ماکرون او وظیفه دارد که اقدام کند و این وظیفه نه به خاطر شخص اوربان بلکه به خاطر منافع آینده مجارستان است.

به گفته اوربان، سیاست های کنونی فرانسه در ارتباط با مهاجران به اروپا، می تواند ضربات سهمگینی برای مجارستان به دنبال داشته باشد و به همین دلیل او قصد دارد جلوی ماکرون بایستد و علیه سیاست های وی بجنگد.

اوربان در مورد آلمان نیز گفته است این کشور به سیاست های مهاجرتی مجارستان اهمیت نمی دهد و رسانه های آلمانی زبان همواره تلاش می کنند مجارستان را مجاب به پذیرش مهاجران و پناهجویان کنند، اقدامی که به گفته اوربان قابل پذیرش نیست و این کشور قصد ندارد به چنین تصمیماتی تن دهد و برای خود بر نامه های دیگری دارد.

او البته پارافتر گذاشت و اظهار امیدواری کرد در انتخابات آتی مجلس اتحادیه اروپا که در ماه می (اسفند - فروردین) برگزار می شود، احزاب ضد سیاست های مهاجرتی کنونی به مجلس راه یابند و عنوان کرد کشورش برای تصویب چنین سیاست هایی به منظور جلوگیری از حضور مهاجران در اتحادیه اروپا، تمام تلاش خود را به کار می گیرد.

دولت راست افراطی مجارستان همسوا با سیاست های اوربان، در سال ۲۰۱۵ دویز بین کشور خود و صربستان و کرواسی کشید تا از ورود مهاجران غیرقانونی به مجارستان جلوگیری کند.



آلمان و فرانسه همواره سیاست های ضد مهاجرتی و ویکتور اوربان و حزب او را به باد انتقاد گرفته اند. حرف ها و شعارهای تند طیف راست گرای افراطی مجارستان و تهدید و تحقیر مهاجران در اتحادیه اروپا شناخته شده است.

این طیف افراطی در مجارستان، خواهان جدایی مجارستان از اتحادیه هستند و همواره سیاست های همسوا با اتحادیه را به باد انتقاد می گیرند. اوربان که خود نیز مخالف اتحادیه اروپا است از ورود کامل این کشور به منطقه اروپا جلوگیری کرده و تاکنون تاریخ رسمی برای این ورود اعلام نکرده است.

او پیش تر اعلام کرده بود دولت بودا پست، همواره فعالیت های مهاجرتی و پناهجویی اتحادیه را زیر نظر دارد و تنها زمانی حاضر است به عضویت کامل منطقه بیورود بیاید که سیاست های مهاجرتی اتحادیه به همسوا با سیاست های مجارستان باشد. در چند سال گذشته با افزایش موج مهاجرتی و پناهجویی به اتحادیه اروپا، مباحث بسیاری در مورد سیاست های مهاجر و پناهجو پذیرد اتحادیه اروپا عنوان شده است که مجارستان از سردمداران مخالفان این قوانین به شمار می رود.

ایتالیای از سال ۲۰۱۷ با به قدرت رسیدن راست گرایان و دولت لهستان از دیگر دولت هایی هستند که مخالف سیاست های مهاجرتی و پناهجویی اتحادیه اروپا بوده اند؛ در مقابل اما کشورهایی از جمله آلمان و فرانسه سیاست های مدارا جوانه در قبال پناهجویان دارند.

ماتئوسولونی، وزیر کشور ایتالیا نیز هفته گذشته ضمن خطاب قرار دادن لهستان از دولت این کشور خواست برای ایجاد یک اروپای نو، همکاری و مشارکت داشته باشند و ویکتور اوربان نیز این سخنان را تأیید کرد و گفت امیدوار است احزاب جدیدی که در انتخابات آتی قدرت و کرسی های مجلس را به دست می گیرند، بتوانند ساختارها و جهت گیری اتحادیه را در مورد مهاجران تغییر دهند.

گزارش

راهکارهای «می» برای خروج، به مذاق طرفداران طرح خوش نمی آید

## بن بست مکزیک برگزیت

مریم علامه زاده

مجلس بریتانیا هنوز به پیشنهادی ترزا می، نخست وزیر این کشور، برای خروج از اتحادیه اروپا و همچنین اعتماد به دولت می رأی نداده است. رأی گیری اول پانزدهم ژانویه (سه شنبه ۲۵ دی ماه) برگزار می شود و به احتمال بسیار طرح می نتواند آرای مورد نظر را اخذ کند که در این صورت حزب کار تهدید کرده که رأی گیری برای اعتماد به دولت را کمی بعد انجام دهد.

بر اساس دو رأی گیری اولیه ای که در هفته جاری در مجلس عوام بریتانیا انجام شد، اعضای این مجلس علاوه بر عدم رأی مثبت به طرح توافق خروج از بریتانیا، قصد ندارند به دولت می نیز رأی اعتماد دهند. چیزی که پیش تر، نیک تیموتی، رئیس پیشین ستاد می از آن به عنوان بن بست مکزیک یاد کرده بود. بن بست مکزیک در واقع حالتی است که دو طرف درگیر در شرایطی هستند که هیچ کدام بدون ریسک قادر به پیشرفت یا پسرفت نیستند، در نتیجه این حالت تا زمان دخالت یک عامل بیرونی ادامه می یابد. دوره وجود دارد که می می تواند به این بن بست پایان دهد که هیچ کدام از این راه ها به مذاق طرفداران برگزیت خوش نمی آید.

رأی گیری روز سه شنبه که در آن حتی ۲۰ نفر از اعضای حزب محافظه کار می نیز همسوا با حزب مخالف کار شدند، در واقع هشدار بود مبنی بر اینکه قانون گذاران هر کاری برای جلوگیری از یک خروج

بدون توافق می کنند؛ اما از جهتی این نتیجه سخت تر از چیزی است که به نظر می رسد. در حالی که این نتیجه دست خزانه داری را در رویداد خروج بدون توافق می بندد، در واقع از رویداد خروج بدون توافق نیز جلوگیری نمی کند. شکست دوم برای دولت که یک روز بعد از رأی گیری اولیه اتفاق افتاد، تبعات بیشتری داشت. جان بروک، سخنگوی مجلس به طور بحث بر انگیزی اصلاحیه متعارفی که به دولت اجازه می داد سه روز برای توضیح نقشه دوم فرصت داشته باشد را لغو کرد.

چنین اقدامی به معنای آن است که نمایندگان باید فوراً به دیگر گزینه ها به غیر از توافق می رأی دهند که این گزینه ها شامل برگزاری referendum دوباره می شود. البته چنین اقدامی باید پذیرش دولت را در پی داشته باشد، اما حداقل این گزینه می تواند در مجلس به رأی گذاشته شود و اکثریت را جلب کند. در واقع تصمیم بر کو نشان داد که او آزادانه از قدرت خود حداقل تا زمان برکناری استفاده می کند. تا این لحظه البته با چنین اقدامی بازوان مجلس تقویت شده است.

اگر چه که دولت هنوز بر سر طرح توافق خود تسلیم نشده است؛ اما تلاش دولت برای جلب توجه حزب اتحادیه دموکرات، حزب شمالی های ایرلندی موسوم به داپ که می برای اخذ رأی اکثریت به آن ها نظر داشت، با شکست مواجه شد. پس چه کسی اولین تیر را در بن بست مکزیک شلیک



می کند و نقشه جایگزین می چیست؟ برخلاف آنچه که می نشان می دهد، او دوست دارد که خروج بدون توافق رخ دهد، شاید انکار او دلیلی باشد که نمایندگان را وادار کند، به جای خروج بدون توافق به طرح او رأی دهند. برای اینکه این تهدید جواب دهد، باید کارآمد باشد و نمایندگان باید بدانند جز طرح می راهی ندارند؛ اما اکنون این چنین نیست.

از طرفی جرمی کوربین، رهبر حزب کار مخالف دولت، پیش تر مشتاق به رأی عدم اعتماد به طرح می نبود، حالا می داند با دفاع از طرح می باز و اگر انتخابی برای او باشد، referendum دوباره است، چیزی که شخص او با آن مخالف است؛ اما حالا در خواست انتخابات دوباره دیگر یک ژست از خالی از جانب حزب کار گر نیست؛ اما اگر تعداد زیادی از نمایندگان میانه رو و مجلس خواستار رأی مثبت برای خروج به منظور جلوگیری از خروج فاجعه بار بدون توافق باشند چه؟

می در حال امتیاز گیری بیشتر از اتحادیه برای رأی آوردن طرحش است، در مقابل اما اتحادیه می خواهد که طرح بی نتیجه نماند؛ بنابراین می دو گزینه پیش رو دارد: اول آنکه اتحادی فرا حزبی ایجاد کند که موافق یک خروج نرم تر باشد، از جمله آنکه در عضویت دائمی گمرکی اتحادیه باقی بمانند. راه دیگر این است که او تقاضای یک رأی گیری عمومی کند بدون آنکه منتظر عدم رأی به طرح خود بماند. این اقدام حزب کار را که نتوانسته حزب می را وارد یک بحران بزرگ انتخاباتی بکند، بر سر آن می دارد که موضع خود را به طور مشخص در مورد نحوه برگزیت بیان کند و از طرفی نمایندگان حزب محافظه کار را بر آن می دارد که از طرح می حمایت کنند و فکر خروج بدون توافق را از سر بیرون کنند. در واقع این انتخاب به رأی دهندگان نیز اجازه می دهد که با شفافیت احزاب خود رأی دهند.